

• شخصیت ، انگیزش و هیجان

• واژه **شخصیت** با تلفظ انگلیسی Personality از کلمه Persona مشتق گردیده است و آن عبارت است از نقابی که یونانیان قدیم در بازی ها و نمایش های خود به صورت می زدند. بنابراین ابتدائی ترین تعریف شامل کیفیات ظاهری فرد می شود.

• امروزه در یک تعریف جامع شخصیت باید موارد زیر گنجانده شود:

۱. معمولاً باید شخصیت را طوری تعریف کرد که شامل صفات مختلف، توانایی ها و قدرت های فردی باشد.

۲. این خصوصیات عموماً به طریقی متشکل و سازمان یافته هستند.

۳. شخصیت فرد مخصوص خود اوست.

۴. شخصیت در رفتار فرد با دیگران دخالت تام دارد و ظاهراً محرکی است که دارای ارزش اجتماعی است.

۵. شخصیت جنبه دائمی دارد.

• تعریف شخصیت : **شخصیت** عبارت است از صفات ، خصوصیات و کیفیاتی که جنبه **دائمی** داشته و فرد را از سایرین **متمایز** می کند و سبب داد و ستد او با محیط و مردم می گردد.

• تفاوت های رفتاری در نوزادان

• حالت برانگیختگی و گریه در نوزادان مختلف تفاوت های فاحش دارند. به همین ترتیب میزان فعالیت اطفال متفاوت است. **ایروین** 1930 Irwin معتقد است برخی نوزادان سه برابر دیگران فعالیت می کنند.

• **فرایز** 1944 Fries تحقیق جالبی در مورد الگوهای سازشی اطفال با فعالیت های مختلف انجام داده است. روش آزمایش از این قرار بود که وزنه بی خطری را کنار سرنوزاد درگهواره می انداخت و براساس میزان گریه که پس از آن ملاحظه می گردید کودکان را به سه گروه **آرام** (پاسخ کمتر از ۱۰ ثانیه ادامه داشت) **فعال متوسط** (بین ۱۰ تا ۲۵ ثانیه) و **فعال** (بیشتر از ۲۵ ثانیه) تقسیم نمود. این تحقیق و سایر بررسی های مشابه ثابت می کنند کودکان آمادگی

جسمانی را برای فعالیت ، به ارث می برند و لاجرم در شخصیت آنان مؤثر خواهد بود.

• ارتباط میان ساختمان بدن و شخصیت

• ساختمان بدن اثر قابل توجهی بر شخصیت دارد و در طی سالیان متمادی این کیفیت از سوی فلاسفه، پزشکان و روان شناسان مورد بررسی قرار گرفته است. زیرا نه تنها ساختمان بدن شامل کلیه عوامل توارث است بلکه ، از نظر برخوردهای اجتماعی نیز اندام و جسم اهمیت بسیار دارد.

• قدیمی ترین مطالعات در رابطه با ارتباط جسم و شخصیت در زمان **بقراط** (۴۰۰ قبل از میلاد) انجام شد. بقراط با توجه به ترشحات و مایعات بدنی ، مزاج های ۴ گانه معروف خود (**دموی، صفراوی، سوداوی و بلغمی**) را عنوان کرد که هر یک معرف خلق و خوی و شخصیت خاصی بودند.

• **کرچمر** Kertchmer روان شناس سوئیسی تقسیم بندی جالبی در این زمینه دارد. این دانشمند مردم را براساس ساختمان بدنی آنان به سه دسته تقسیم نمود:

۱. تیپ پیک نیک Picnic

۲. تیپ استنیک Asthenic

۳. تیپ اتلتیک Athletic

• **پیک نیک ها** از نظر ساختمان جسمانی چاق و کوتاه قامتند و از جهت خصوصیات خلقی بشاش و بذله گو و معاشرتی هستند. **استنیک ها** بلند قامت ، لاغر و کشیده و از نظر شخصیت عصبی درون گرا و متفکر هستند. **اتلتیک ها** ، ورزشکار و دارای اندامی ستبر و عضلانی و فعال هستند از جهت خلق و خوی شخصیت نیز ثابت قدم، با پشتکار و علاقه مند به کار و فعالیت هستند.

• **شلدون Sheldon** محقق آمریکایی تقسیم بندی مفصلی ابداع نمود که در آن رابطه میان ساختمان بدنی و صفات شخصیتی مورد تاکید قرار گرفته است. نظریه شلدون به سبب پیچیدگی آن صرفاً یک فرضیه تیپ شناسی نیست بلکه نتیجه مطالعات وسیع تجربی است که نمونه آماری آن هزاران نفر است.

• به عقیده **شلدون اکتومورف ها** استخوانی ، ظریف و شکننده اند و در آنها سلسله اعصاب ، تحریک پذیری بیشتری دارد و نیز رفتارشان همراه با تأمل و

تعقل است. در مورد **آندومورف** ها امعاء و احشاء رشد زیادی کرده اند. به نظر او این افراد چاق و فربه و مدورند. در تیپ **مزومورف** رشد ماهیچه ها و بافت ارتباطی چشم گیر است. بنابراین افرادی پر قدرت و قوی هستند و اندامی مستقیم و توانا دارند.

• **شلدون** ویژگی های جسمانی و ساختمان بدنی افراد را با استفاده از سه نمره که مشخص کننده کیفیات سه گانه تیپ های مشخص است تقسیم بندی کرد. این نمرات به ترتیب دلالت بر **آندومورفی** ، **مزومورفی** و **اکتومورفی** نموده و از ۱ تا ۷ تغییر می کنند.

• **شلدون** اسامی دیگری به تیپ های سه گانه فوق داد و برای هر یک خصوصیات را برشمرد. تیپ **آندومورف** را **ویسروتونیا Viscerotonia** نامید و از مشخصات آن علاقه مندی به غذا و آسایش ، احتیاج به محبت، اتکاء به دیگران، صبر و حوصله و همراهی را نام برد. **مزومورفی** را مترادف **سوماتوتونیا Somatotonia** دانست و خصوصیات آن را نیروی فعاله ، توانایی جسمانی بالا ، رقابت و پرخاشگری معرفی کرد. تیپ **اکتومورف** را معادل **سربروتونیا Cerebrotonia** به شمار آورد که در آن تفکرو اندیشه غلبه کرده و خصوصیات انزواطلبی و سکوت در برخورد های اجتماعی بر سایر صفات برتری دارند.

• عوامل محیطی و اثر آن در رشد شخصیت

از لحظه تشکیل تخم ، کیفیت محیط داخلی در رشد و نمو جنین مؤثر است. به عبارت دیگر، برخی از خصوصیات جسمانی و بدنی زائیده تأثیر محیط داخلی بوده و از توارث مجزا است. اثر این عوامل به قدری است که در سراسر زندگی آشکار است.

• محیط قبل از تولد:

۱. وضع قرار گرفتن جنین در رحم و تلاشی که برای ادامه حیات انجام می دهد.

۲. وضع جسمانی و روانی مادر (ترس، خشم، هیجان ، استرس...)

۳. تغذیه مناسب در دوران حاملگی

۴. اعتیاد مادر (وابستگی به مواد ، سیگار ، الکل و...)

۵. طرز تفکر مادر در مورد حاملگی خود در رشد و نمو جنین مؤثر است.

۶. ضربه وارده به نوزاد هنگام تولد و اختلالات ایجاد شده هنگام تولد مانند کمبود اکسیژن و غیره...

- یکی از مطالعات اولیه درباره کمبودهای کودکان به وسیله پروفسور **هانت** Hunt 1941 آمریکایی انجام یافت . این محقق تعدادی موش را در شرایط بسیار مشکل کمبود غذایی قرار داد و رفتار آنان را در مورد احتکار غذا در بزرگی مطالعه کرد. حیواناتی که در شرایط قحطی و کمبود غذایی واقع شده بودند به مراتب بیشتر از آنانی که دچار چنین حالتی بودند به احتکار غذا دست می زدند.

- در سایر تحقیقات اثرات کمبود محرک های حسی در کودکی را روی رفتار بزرگسالی مطالعه نموده اند. این تحقیقات نشان می دهد چنانچه حیوانی در آغاز زندگی خودش با برخی از محرک ها آشنا نشود ؛ توانایی بعدی او برای مقابله با این محرک ها بطور قابل ملاحظه ای کاهش می یابد.

• اجتماعی شدن Socialization

مرحله همانند سازی اساس اجتماعی شدن در کودک را تشکیل می دهد. کودک نه تنها باید پیامورد چه انجام دهد بلکه باید توجه کند چه نباید بکند. بدین ترتیب، ضابطه های اجتماعی سبب ایجاد نظم و رعایت قوانین محیطی از سوی افراد می گردد. اختلال در اجتماعی شدن سالم عامل اصلی انحرافات شخصیتی و اخلاقی، جنایات و بیماری های روانی به شمار می آید. این نشانگر آن است که در محیط خانواده، پاسخ های مناسب اجتماعی وجود نداشته است.

• نقش فرهنگ

همان گونه که وضعیت حاضر طبقه اجتماعی ، رفتار و کردار فرد را تحت تأثیر و نفوذ قرار می دهد، معیارهای انفرادی و گروهی نیز به وسیله فرهنگ ایجاد می گردد و بطور غیرمستقیم بر افراد اثر می گذارد.

- فرهنگ در شکل دادن شخصیت ، نهایت اهمیت را دارد و خصوصیات یک جامعه و یا اجتماع خاصی را به وجود می آورد و آنچه بنام **تمدن Civilization** می خوانیم آشکار می سازد.

• نظریه روان شناسی تحلیلی کارل گوستاو یونگ

یونگ با عقیده فروید مبنی بر مرکزیت تمایلات جنسی ، مخالفت کرد و ابراز عقیده کرد که انسان ها همان قدری که به وسیله اهداف ، آرزوها و امیال دیگرشان برانگیخته می شوند، به وسیله تمایلات جنسی نیز برانگیخته می شوند.

از نظر یونگ فضیلت **خود بودن**، تلاش برای رشد و خود شکوفایی خلاق، از انگیزه های اصلی رفتار انسان است. این جهت گیری انسان دوستانه، منعکس کننده علایق وسیع یونگ نسبت به انسان است.

• اجزای شخصیت

از نظر یونگ ، شخصیت از سه جزء اساسی تشکیل یافته است :

۱. خود

۲. ناهوشیار شخصی

۳. ناهوشیار جمعی

ناهوشیار جمعی خود شامل **صورت های ازلی** است.

• خود

• برخلاف **خود** در نظریه روان تحلیل گری فروید که تنها بخشی از آن در سطح هوشیار است ، **خود** در نظریه یونگ تماماً در **سطح هوشیار** است. این **خود** از احساس ها ، تفکرات ، ادراکات و خاطراتی که ما از آنها آگاهیم، تشکیل شده است.

در این نظریه **خود** به ما احساس هویت و تداوم و احساس **من** بودن را می دهد و مانند نظریه فرید این **خود** مسئول اداره کارهای ما است.

• ناهوشیار شخصی

• **ناهوشیار شخصی**، از بسیاری جهات همانند چیزی است که فروید آن را **جنبه نیمه هوشیار خود** می نامید. در اینجا رویدادها، اسامی و ادراکات زودگذری ذخیره می شوند که ما آنها را کاملاً به یاد نداریم ؛ ولی می توانیم با اندک کوششی آنها را به سطح هوشیار انتقال دهیم.

• ناهوشیار جمعی

• **ناهوشیار جمعی** از وجوه منحصر به فرد نظریه شخصیت یونگ به شمار می رود که نظریه های بسیار متفاوتی درباره آن ارائه شده است. برخلاف ناهوشیار شخصی که شامل خاطرات زندگی یک شخص است. ناهوشیار جمعی به قول یونگ عبارت است از : تجربه های اجداد ما در طی میلیون ها سال که بسیاری از آنها ناگفته باقی مانده و یا انعکاس رویدادهای جهان ماقبل تاریخ که گذشت هر قرن تنها مقدار بسیار کمی به آن می افزاید.

• از آنجایی که **ناهوشیار جمعی** در بین تمام انسان ها مشترک است، بنابراین، می بینیم که در بسیاری از موارد انسان های مختلفی تمایل دارند که نسبت به موقعیت ها، اشکال و سمبول های خاصی که **صورت های ازلی** نام دارند پاسخ یکسان نشان دهند.

• همه افراد بشر دارای یک مادر بوده اند. همه انسان ها در طول تاریخ ، درد و ناراحتی را تجربه کرده اند و شاهد مرگ و تاریکی بوده اند و طلوع آفتاب را مشاهده کرده اند. این خاطرات در درون ما زنده اند و باعث می شوند که ما نسبت به آنها و نیز کلمات و سمبول هایی که به آنها اشاره دارند، به یکسان واکنش نشان دهیم.

• **نرینه روان و مادینه روان** عبارت است از **تساویری که زن و مرد از یکدیگر در ذهن دارند**. نرینه روان ، تصورذاتی یک زن از مرد است. در حالی که مادینه روان تصور ذاتی یک مرد از زن است. علاوه براین، نرینه روان، نشانگروجه مردانه شخصیت یک زن و مادینه روان ، نمایانگر وجه زنانه شخصیت یک مرد است.

• **صورت ازلی سایه همان وجه شیطانی و حیوانی طبیعت بشر** بوده و مسئول اعمال پرخاشگرانه ، ظالمانه و غیراخلاقی ما است.

• **صورت ازلی نقاب** ، عبارت است از: همان **ماسک مردم پسند** که افراد در جامعه برچهره دارند و **خود** نشانگر تمایل ذاتی انسان برای یک تعادل و جامعیت در بین اجزای مختلف شخصیت است.

برای مطالعه بیشتر:

۱- شخصیت‌شناسی کودکان

نویسنده: حجت‌اله فیروزی

۲- تشخیص شخصیت از روی دست نوشته

نویسنده: بهروز نقش

۳- روان‌شناسی شخصیت - نظریه‌ها و مفاهیم

دکتر محمود منصور - ناشر - انتشارات دانشگاه تهران

۴- روان‌شناسی شخصیت

مترجم - دکتر پرویز شریفی

ناشر: آوای نور